



مشکل ما در بهره‌گیری از قرآن کریم

دکتر یحیی یثربی نویسنده تفسیر روز در مقاله ای نوشت: برای بهره‌مندی از قرآن کریم باید دو مشکل را از پیش پای خود برداریم: یکی توقف در تلاوت و غفلت از آموزش، دیگری برخورد خیالاتی با قرآن.

دکتر یحیی یثربی نویسنده تفسیر روز در مقاله ای نوشت: برای بهره‌مندی از قرآن کریم باید دو مشکل را از پیش پای خود برداریم: یکی توقف در تلاوت و غفلت از آموزش، دیگری برخورد خیالاتی با قرآن. به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر سیدیحیی یثربی استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی و نویسنده تفسیر روز در مقاله ای به مشکل بشر و به خصوص مسلمانان در بهره‌گیری از قرآن پرداخته است. متن کامل این یادداشت اکنون پیش روی شماست:

مقدمه

«وحی»، دست رحمت و عنایت خداوند است که به سوی بشر دراز شده و در دسترس او قرار گرفته است. کار وحی راهنمایی است، یعنی نشان دادن راه درست و روش درست در تمامی جنبه‌های زندگی انسان. وحی در حقیقت یکی از نعمت‌های خداوند و یکی از سرمایه‌ها و امکاناتی است که در اختیار بشر قرار گرفته است، چنان‌که خداوند، امکانات و منابع طبیعی دیگر را برای استفاده‌ی انسان در اختیار او قرار داده است. منابع و نعمت‌های خداوند بی‌شمارند، اما همه‌ی انسان‌ها از این منابع و نعمت‌ها به یک اندازه برخوردار نیستند. برای این‌که:

یک- داشتن به معنی بهره‌بردن نیست

در این‌جا ممکن است ما به این نتیجه‌ی نادرست برسیم که چون وحی خدا در دست ما است، دیگر نباید مشکلی داشته باشیم. چنین تفکری درست نیست، برای این‌که با یک نگرش دقیق و علمی می‌توان دریافت که داشتن منابع ثروت و قدرت، غیر از بهره‌مند شدن از آن منابع است. مثلاً از صدها قرن پیش، کوهی زمین دارای ذخیره‌ی نفت و گاز بود، اما انسان تا یکی دو قرن اخیر از آن استفاده نمی‌کرد و در حقیقت نمی‌توانست از آن استفاده کند. همه‌ی محصولات صنعتی امروز همانند رادیو، ماهواره، هواپیما در طبیعت وجود داشت، اما تنها در یکی دو قرن اخیر است که انسان این پدیده‌ها را از طبیعت تولید کرده و از آن‌ها استفاده می‌کند.

بنابراین داشتن وحی، غیر از بهره‌گرفتن از وحی است. ممکن است عده‌ای وحی رهایی‌بخش را در دست داشته باشند، اما نتوانند از آن بهره‌گیرند.

دو- بهره‌مندی نتیجه تلاش انسان است

در این‌جا می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که چرا در شرایطی انسان از وحی و طبیعت بهره‌می‌گیرد و در شرایط دیگر نمی‌تواند از آن‌ها بهره‌گیرد؟ پاسخ این پرسش یک جمله بیشتر نیست و آن این‌که بهره‌مندی نیازمند تفکر و تلاش درست انسان است. امکانات طبیعی و وحی، هر دو ذخیره و منابع انسان‌اند و ذخیره و منابع، به خودی خود به معنی بهره‌مندی نیستند، بلکه انسان برای بهره‌مندی نیازمند تفکر درست و تلاش لازم است. انسان هر چه درست‌اندیش‌تر و پرتلاش‌تر باشد، بیشتر بهره‌مند می‌شود و بهتر می‌تواند از ذخایر و منابع خود استفاده کند.

خود چشم و گوش و عقل و هوش نیز از منابع و ذخایر انسان‌اند. عده‌ی زیادی از این منابع بهره‌ نمی‌گیرند و به تعبیر قرآن کریم: «آنان عقل دارند و به کار نمی‌برند و چیزی با آن نمی‌فهمند، چشم دارند، اما به کار نمی‌گیرند تا چیزی ببینند و گوش دارند و با آن چیزی نمی‌شنوند. اینان مثل چهارپایان‌اند، بلکه بیراه‌تر از آنان و اینان‌اند که در غفلت و بی‌خبری می‌مانند.» [1]

با توجه به نکته‌ای که گفتیم، بهره‌بردن مسلمانان از قرآن که برای همیشه راهنمای انسان‌هاست، نیازمند تلاش و تحول آنان به نسبت زمان زندگی آنان باید باشد. مسلمان قرن بیست و یکم باید چشم و گوش و عقل و هوش این قرن را داشته باشد تا بتواند از قرآن و حتی از طبیعت بهره‌ی لازم را ببرد.

مشکل ما در استفاده از قرآن

اکنون جای این پرسش است که ما در استفاده از قرآن کریم چه مشکلی داریم؟ در پاسخ باید گفت: خود قرآن وقتی که مشکل یهودیان را مطرح می‌کند، در حقیقت مشکل انسان‌ها را در بهره‌گرفتن از وحی مطرح می‌کند. اینک ما به توضیح مشکل یهودیان می‌پردازیم تا آیت و عبرتی باشد برای ما مسلمانان.

قرآن کریم برای بیان رابطه‌ی نادرست بنی‌اسرائیل با تورات واژه‌ی «امانی» را به کار می‌برد. این «امانی» دو معنی دارد، یکی تلاوت کتاب آسمانی بدون توجه به آموزه‌های آن و دیگری خیالات و دل‌بستگی‌های انسان. این دو مشکل، یعنی در قید تلاوت ماندن و یا اسیر پندارها و دل‌بستگی‌ها شدن، مانع بهره‌گیری انسان از وحی‌اند که اندکی آن‌ها را توضیح می‌دهیم:

الف- در قید تلاوت ماندن

این نکته‌ی بسیار ظریفی است که قرآن کریم آن را با ما در میان می‌گذارد، چنان‌که می‌فرماید: «گروهی از اهل کتاب، اهل علم نیستند و از کتاب آسمانی چیزی جز ترنم تلاوت آن نمی‌دانند و اسیر پندارند و بس!» [2]

با توجه به این آیه، قرآن از ما می‌خواهد تا ما در مرحله‌ی تلاوت متوقف نشویم و بهره‌ی ما از قرآن تنها زمزمه‌ی تلاوت آن نباشد. برای مردمی که دارای کتاب آسمانی هستند، این یک خطر جدی است که از آموزه‌های کتاب آسمانی به خاطر قداست آن کتاب فاصله بگیرند و کتاب آسمانی خود را به قصد آموختن مطالب آن، مورد مطالعه و دقت قرار ندهند، بلکه تنها به تلاوت آن برای تقرب به خدا اکتفا نمایند و بر آن کوشند که قواعد تلاوت را خوب یاد بگیرند تا بتوانند روحانی درستی از قرآن داشته باشند. هم اکنون اگر جامعه‌ی ما را در نظر بگیریم، می‌بینیم که تقریباً همه‌ی مردم جز افراد اندک تنها با تلاوت قرآن درگیرند. تلاوت برای ثواب، مخصوصاً در ماه مبارک رمضان یا شب و روز جمعه‌ها و هزینه‌ها هم بیشتر در این مسیر قرار دارند. قرائت‌های صوتی قرآن، حفظ قرآن و تجوید قرآن و تلاوت قرآن در مجالس ترحیم و برای مردگان.

ناگفته پیداست که چنین درگیری با قرآن اگر چه ثواب دارد، اما انسان را از رسیدن به هدف قرآن بازمی‌دارد. هدف قرآن راهنمایی است و انسان اگر قرآن را برای آموزش نخواند و مورد مطالعه و دقت قرار ندهد، از این راهنمایی بهره‌مند نخواهد شد. بنابراین ما از قرآن و راهنمایی قرآن وقتی بهره‌مند می‌شویم که قرآن را با قصد آموزش و هدایت شدن مورد مطالعه و دقت قرار دهیم. اما کار و کوشش ما اگر متوجه فهم قرآن و آموختن از قرآن نشود، چندان سودمند نخواهد بود، اگر چه همه‌ی قرآن را از حفظ بخوانیم و زیباترین صداها را در خواندن قرآن داشته باشیم، یا به زیباترین تلاوت‌ها و ترتیل‌ها سال‌ها گوش فرادهیم و نیز قرآن را با حجم‌های گوناگون و آرایش‌های شگفت‌انگیز در منزل خود داشته باشیم. این‌ها مشکل ما را نمی‌گشایند، مشکل ما تنها با آموختن از قرآن حل می‌شود.

بنابراین باید بکوشیم با زبان روشن و صمیمی قرآن انس بگیریم و در معانی قرآن دقت کنیم و بارها و بارها آیات قرآن را مورد تدبر و دقت قرار بدهیم تا از قرآن چیزی یاد بگیریم. بدون شک هر چه تفکر درست‌تر و دقت بیشتری به کار ببریم، نکته‌های بیشتر می‌آموزیم و بیشتر هدایت می‌شویم و به راه راست می‌رویم و از این ذخیره‌ی بزرگ و سرمایه و منبع بی‌کران بیشتر بهره‌مند می‌گردیم. بار دیگر یادآور می‌شوم که خطر توقف در زمزمه‌های تلاوت را جدی بگیریم و بر آن کوشیم که با آموزه‌های قرآن رابطه برقرار کنیم، آموزه‌هایی که سراپا نور و روشنایی‌اند.

ب- اسیر پندارها و دل‌بستگی‌ها شدن

پیروان هر دین و هر مذهبی برای خود دل‌بستگی‌هایی دارند و با باورها و آیین‌ها و امید و آرزوهای ویژه‌ی انس گرفتند و محتوای کتاب آسمانی را چیزی جز همین خیالات و آرزوها و دل‌بستگی‌های خودشان نمی‌دانند.

قرآن این موضوع را با این بیان مطرح می‌کند که: «نه به دلخواه شما و نه به دلخواه اهل کتاب است. هر بدکاری، کفر کارش را می‌بیند و برای خود جز خداوند پشتیبان و فریادرسى نخواهد یافت.» [3]

اکنون باید دید که چرا انسان نمی‌تواند دین را به دلخواه خود تغییر دهد؟ در پاسخ این سؤال باید گفت: چنان‌که بارها گفته‌ایم، دین درست از يك جریان تکوینی پیروی می‌کند و انسان نمی‌تواند سنت‌های الهی را در نظام تکوینی جهان تغییر دهد. نه مؤمنان باید چنین انتظاری داشته باشند و نه اهل کتاب؛ بلکه همه‌ی انسان‌ها باید از جریان حقیقی جهان پیروی کنند.

در این‌جا اشاره‌ی روشنی هست به این‌که هدایت آسمانی در همه‌ی شرایط خود و در همه‌ی حوزه‌هایش «توقیفی» است. یعنی مردم باید تابع قوانین و رهنمودهای دین باشند و در دستورات دین به دلخواه خود دست به تغییر نزنند، چیزی را از دین کم نکنند و چیزی بر آن نیفزایند. دریغ که این اصل اساسی را ما مسلمانان نیز همانند اهل کتاب چندان جدی نمی‌گیریم. بلکه به دلخواه خود و بانگیزه‌های مختلف در آموزه‌های دینی دخل و تصرف می‌کنیم.

این کار نادرست در قرآن نیز مطرح شده است، با این بیان که «می‌گویند: هیچ‌گاه کسی به بهشت نمی‌رود مگر آن‌که یهودی باشد یا نصرانی. این پندار آنان است! بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل‌تان را بیاورید.» [4]

باور به این‌که تنها یهودیان و مسیحیان اهل هدایت بوده و شایسته‌ی نجات‌اند، یک اغراق‌پنداری بود که عده‌ای را نسبت به مخالفت با آنان و گزیدن راه دیگر به تردید می‌انداخت. خداوند می‌گوید شما فریب این ادعا را مخورید که اساس چنین ادعایی، خیالات خام و آرزوهای بی‌اساس آنان است. پس مردم دیگر نباید فریب این خیالات باطل را بخورند. اگر هم زمانی خواستند چنین ادعایی را جدی بگیرند، باید از مدعیان بخواهند که ادعای خود را با دلیل و برهان ثابت کنند.

اکنون باید دید که برداشت پنداری یعنی چه؟ و چرا مردم اسیر این برداشت می‌شوند؟ برای پاسخ به این سؤال، باید توجه داشت که پیروان هر دین و مذهبی که سال‌ها و قرن‌ها از آن دین و مذهب پیروی کرده و با آن پرورش یافته‌اند، به خاطر انس ذهنی و عاطفه‌ی روحی، آن دین و مذهب را دین و مذهب برحق می‌شمارند و حتی می‌توانند دین و مذهب خود را مطابق با فطرت انسان دانسته و پیروان ادیان و مذاهب دیگر را خارج از فطرت انسانی بشمارند. همین عامل باعث می‌شود که هر انسانی پیرو دین و مذهبی باشد که در محیط آن دین و مذهب به دنیا آمده و پرورش یافته است. نتیجه‌ی چنین وضعی آن است که پیروان ادیان و مذاهب مختلف، هرکدام دین و مذهب خود را، دین و مذهب برحق دانسته و به دنبال بررسی و شناخت ادیان و مذاهب دیگر نروند. در نتیجه بیشتر مردم دنیا از شناخت و انتخاب دین و مذهب درست محروم بمانند.

به خاطر پرهیز از این خطر و از این اسارت، اسلام به مردم هشدار می‌دهد که دین و مذهب آبا و اجدادی خود را بر اساس همین تخیلات و دل‌بستگی‌ها جدی نگیرند، بلکه مبنای انتخاب خود را دلیل و برهان قرار بدهند تا عمر خود را در مکتب باطل و دین و مذهب خرافی به پایان نبرند.

در آیه‌ی 113 سوره‌ی بقره نیز این راهنمایی را با ذکر این نکته ادامه می‌دهد که این تنها یهودیان نیستند که خود را بر حق دانسته و دیگران را گمراه می‌دانند، بلکه مسیحیان و حتی مشرکان نیز، چنین دیدگاهی دارند. یعنی هر یک از آنان تنها خود را

اهل نجات می‌دانند، اما چون داوری خداوند، کارساز اصلی است، مردم نباید فریب این ادعاها را بخورند، بلکه باید پیوسته در تشخیص راهی که پیمودن آن موجب خشنودی خدا می‌گردد، تلاش کنند و به تعبیر قرآن به آنچه خودشان دارند، دل خوش نکنند. قرآن در این باره می‌فرماید: « مردم در دین خود تفرقه ایجاد کردند و هر گروهی به آیین خود، دل خوش بود.» [5]

این آیه به اختلاف‌های مذهبی اشاره دارد که پیروان یک دین به گروه‌های مختلف تقسیم شده و هر کدام از آنان به آنچه خودش دارد، دل خوش است. در این جا به یک نکته‌ی مهم درباره‌ی این گونه تعصب‌ها اشاره می‌کنیم. انسان‌ها معمولاً در محیط یک دین یا مذهب جا افتاده، به وجود آمده و رشد می‌کنند و تا آخر عمر خود، از این باورها دست برنمی‌دارند. شمار کسانی که بتوانند از حصار استوار این گونه باورهای موروثی رها گردند، بسیار اندک بوده و هست.

گسستن از یقینی که به قول معروف با شیر مادر وارد دل و درون مردم می‌شود و نیز از طرف اشخاص و مراکز مختلف حمایت می‌گردد، بسیار دشوار است. انسان در اثر نوعی وابستگی عاطفی به این گونه باورها، به آسانی حاضر به شنیدن انتقاد دیگران هم نمی‌باشد. قرآن کریم هشدار می‌دهد که برای شما آنچه مهم است، درست و منطقی بودن مطالب است، نه این که چون آبا و اجداد شما پیرو دین یا مذهب خاص بوده‌اند، شما هم باید تا پایان عمرتان از همان دین و مذهب پیروی کنید.

این نکته ای بسیار ظریف و ارجمند است که اسلام و قرآن بر آن تأکید می‌ورزند. این یکی از معجزه‌های افتخارآمیز قرآن است که هیچ کس نباید مقلد دیگران باشد. یعنی همه‌ی انسان‌ها باید باورهای خود را خودشان با درست‌اندیشی و روش درست به دست آورند.

بدون شک به کار بستن چنین روشی برای انسان‌ها از نظر معرفت‌شناسی بسیار اهمیت دارد. زیرا همه‌ی انسان‌ها با این روش می‌توانند در عقاید موروثی خود شک و تردید داشته و به جستجوی حقیقت بپردازند. معلوم است که حقیقت از نظر انسان‌هایی که صادقانه و با همدلی و همکاری در جستجوی آن باشند، پنهان نمی‌ماند.

درپیش گرفتن چنین روشی، به سود حق و حقیقت و دین درست است، زیرا اگر همه‌ی مردم صادقانه و با همدلی و همکاری در جستجوی حقیقت باشند، حق و حقیقت بیشتر شناخته شده و طرفداران بیشتری خواهد داشت. چنان‌که درپیش گرفتن چنین روشی به زیان ادیان و مکتب‌های خرافی و نادرست است، زیرا درست‌اندیشی و خردورزی انسان، خرافه و باطل را از ارج و اعتبار می‌اندازد.

از این جا پیداست که دعوت مردم به تسامح دینی و کثرت‌گرایی، به زیان حق و حقیقت بوده و به سود خرافات و ادیان و مذاهب باطل می‌انجامد.

کثرت‌گرایی نه تنها انسان‌ها را از پژوهش بازداشته و باورهای الهیاتی و مابعدالطبیعی را به جمود و جزمیت دچار می‌سازد، بلکه به زیان حقیقت و دین درست هم می‌انجامد. به این معنا که کثرت‌گرایی و سازش معرفتی پیروان ادیان مختلف، زمینه را برای بقای حق و باطل در کنار یکدیگر فراهم آورده و انسان‌ها را از نخستین و طبیعی‌ترین حق خودشان که حق شناخت و انتخاب است، محروم می‌سازد.

بی تردید چنین وضعی به زیان اکثریت انسان‌ها و به سود دین و مذاهب باطل و طرفداران ادیان و مذاهب باطل تمام می‌شود. تلاش جهان مسیحی در جهت ترویج کثرت‌گرایی و سنت‌گرایی، با توجه دقیق به این نکته است که شرایطی برای بهره‌برداری مسیحیت فراهم آورد تا هرچه بیشتر به بقا و گسترش خود ادامه دهد.

نتیجه گیری

از مباحث گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که:

- 1- داشتن را باید با تلاش خود به مرحله‌ی برداشت و بهره‌مندی برسانیم.
- 2- برای بهره‌مندی از قرآن کریم باید دو مشکل را از پیش پای خود برداریم: یکی توقف در تلاوت و غفلت از آموزش، دیگری برخورد خیالاتی با قرآن. یعنی بدون توجه به آموزه‌های قرآن، تنها براساس خیالات و دل‌بستگی خودمان، چنان پنداریم که برابر با آموزه‌های قرآن رفتار می‌کنیم.

[1]. قرآن/ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی 179

[2]. قرآن سوره‌ی بقره. آیه‌ی 78

[3]. قرآن سوره‌ی نساء. آیه‌ی 123

[4]. قرآن. سوره‌ی بقره. آیه‌ی 111

[5]. قرآن. سوره‌ی مؤمنون. آیه‌ی 53